

وحدت حول توسعه و وطن



مختار نوری

هیئت‌علمی دانشگاه رازی

اهالی «جامعه‌شناسی تاریخی» بیان داشته‌اند که حال فعلی جوامع را باید در پیوند با گذشته آنها مورد مطالعه قرار داد و برای درک و فهم اکنون آنها به گذشته‌های تاریخی مراجعه کرد، رخدادهای مهمی هم در تاریخ ما ایرانیان به وقوع پیوسته که از خلال آنها می‌توانیم به ارزیابی روزگار امروز بپردازیم. بدون شک یکی از آن رخدادهای تاریخی دورانساز ایرانیان، انقلاب «مشروطیت» است. در ظاهر مشروطه پدیده تاریخی دور و غربی است که گویی نسبتی با روزگار فعلی ما ندارد و نمی‌توان از دریچه آن به امروز نگریست و بازخوانی آن گرهی از کلاف سردرگم امروزمان نمی‌گشاید، اما این نوع نگاه، تحلیلی سطحی و مدرسه‌ای از کتاب تاریخ ما ایرانیان به‌دست می‌دهد. در این نوع نگاه کروئولوژیک، تشکیل مجلس شورای ملی و فرمان مشروطیت در ۱۴ مردادماه ۱۲۸۵ به امضای مظفرالدین‌شاه رسید و درنهایت با به‌توپ بستن مجلس توسط محمدعلی شاه و فرارسیدن استبداد صغیر، دچار دگردیسی شد. باید اما توجه داشت که ما امروزه در عصر علوم انسانی نوینی به‌سر می‌بریم که متعلق با آن، هر رخدادی در گذشته به طرق مختلف در زمانه ما قابل بازخوانی و تفسیر است و به عبارتی، گذشته دست از سر ما بر نمی‌دارد. در این نگاه روش‌شناختی جدید، مشروطه به بیان آئن بدیو، فیلسوف معاصر فرانسوی، می‌تواند رخدادی (Event) ماندگار تلقی شود که تاریخ ما ایرانیان را برش زده است. در نگاه بدیو، رخداده‌ا در زمان‌ها و مکان‌هایی خاص به وقوع می‌پیوندند و چهار عرصه سیاست، هنر، علم و عشق عرصه‌های رخداد حقیقت‌اند و در این عرصه‌ها حقایقی جدید متولد می‌شود. چنان‌که رخداد عشق میان من و تو، ما را با حقیقتی مانند زندگی عاشقانه، گالیله با زبان علمی اش حقیقتی به‌نام علم جدید، پیکاسو و ون گوگ نیز با آثار فاخر خود حقایقی هنری و در عرصه سیاست نیز نخبان و مردم در پرتوانقلاب یا هر تحول دیگری حقیقت‌سیاسی تازه‌ای خلق می‌کنند.

با ایتنای بر این نوع نگاه، رخداد استراتژیک مشروطه توانست تاریخ ما ایرانیان را به‌قبل و بعد از مشروطه تقسیم کند. اگر این نوع نگاه را پذیرا باشیم، آنگاه می‌توان این گزاره را مطرح کرد که ما با گذشت این همه سال و از سرگذندن تحولات سیاسی و اجتماعی مختلف کماکان در عصر مشروطه و عناصر آن به‌سر می‌بریم. از این‌رو، پرسش مهمی که به ذهن متبادر می‌شود این است که برآستی گفتمان مشروطه چه بود و از چه عناصر و نشانه‌هایی بر خوردار است که ما ایرانیان امروزه پس از گذشت ۱۱۹ سال دست از آن بر نمی‌داریم و هر ساله نیمه مردادماه سوزان آن را یادآوری و بازخوانی می‌کنیم؟ به بیان دیگر، خوانش مشروطه برای امروز ایران که در میانه جنگ و آتش‌پس قرار دارد چه‌ستواردی دارد؟ آیا‌پیشنی و تجربه‌ای در آن رخداد دیده می‌شود که یادآوری آن چراغی پیش چشم امروزمان بگشاید؟ و سرانجام اینکه آیا مشروطیت قدرت ساماندهی بی‌قراری (dislocation) و آشفتگی حاکم بر جامعه امروز ایران را دارد؟

در پاسخ به چنین پرسش‌هایی می‌توان گفت، گفتمان مشروطه به مجموعه افکار و تحولاتی اشاره دارد که در عصر قاجار و حول مفاهیمی چون قانون‌گرایی، آزادی خواهی، عدالت‌طلبی، اتحادملی، پارلمان طلبی، اراده ملت، نوگرایی و مدرن‌سازی، محدود کردن قدرت حکومت مرکزی و... صورتی هژمونیک یافت. آنچه عیان است اینکه، جامعه‌بی‌قرار امروز ایران نیز همچنان تشنه کاربست همان مفاهیمی است که مشروطه و مشروطه‌خواهان معاصر با خود به ارمان آوردند.

مردم ایران امروز به یاری افکار برآمده از انقلاب مشروطه‌خواهان مشارکت سیاسی و تعیین سرنوشت سیاسی خود، خواهان محدود کردن اختیارات‌فراقانونی دولتمردان، خواهان رفع محرومیت‌ها و نابرابری‌های آزا ردهنده، خواهان استیلای قانون برآمده از رای واقعی اکثریت ملت‌ونه حداقل گرایان، خواهان تجهیز، نوگرایی و تقویت بنیه دفاعی کشور برای حفظ اتحاد و استقلال ملی ایران هستند. مقولات مختلفی که توجه واقعی به آنها ازسوی دولتمردان امروز ایران نه‌فقط موجبات تحکیم رابطه دولت‌ملت را بیش ازپیش فراهم خواهد ساخت، بلکه راه‌ی روشن‌وپایدار برای تقویت انسجام‌ملی ایرانیان در برابر هر نوع زورگویی و تجاوز خار جی از سوی بیگانگان به‌وجود خواهد آورد. ما حاصل سخن این‌که در این هنگامه آشفتگی و بی‌قراری حاکم بر جامعه ما به‌نظر می‌رسد گفتمان مشروطه، همچنان منظومه معنایی معناداری است که مفاهیم و زبان آن از خصلت در دسترس بودن (availability) و قابلیت اعتبار (credibility)) برخوردار است و می‌تواند به خلق معنا برای انبوهی از نیروهای متنوع اجتماعی بپردازد و آنها را به شیوه‌ای جدید حول مفهوم وطن وتوسعه آن متحد کند و این است راز استمرار مشروطه در زندگی سیاسی اکنون ما ایرانیان!

۱۶

۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com

@Hammihanonline

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
- مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
- سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
- دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
- علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
- مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
- مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
- هادی حیدری (طرح و کاریکاتور)• حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸

• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشرگستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰

سکته‌ای لحظه‌ای

مشروطه؛ نخستین تلاش برای گذار از نظم استبدادی به نظمی عقلانی

به‌رغم ارجاع مکرر به آن، هرگز به‌مثابه اصلی تنظیم‌کننده نظم اجتماعی و محدودکننده قدرت تعریف نشد، چراکه در غیاب نظریه دولت و عقلانیت حقوقی، قانون به متنی بی‌ریشه بدل شد؛ هم تجدد را افاده نمی‌کرد و هم با سنت پیوندی نداشت. در این معنا، مشروطه نه‌ر خدادی تمام‌شده در گذشته، بلکه لحظه‌ای گسسته و سکنه‌ای در تاریخ اندیشه سیاسی ایران است؛ لحظه‌ای که «نظم نوین» در افق پدیدار شد، اما ابراز نظری و مفهومی تحقق آن غایب بود. به همین دلیل به جای استقرار دولت ملی و قانون‌مدار، ما با بازتولید مناسبات قدرت پیشامدرن در کالبدنهادهای به‌ظاهر نوجاهه شدیم؛ مجلس مشروطه، بدون تفکیک واقعی قوا؛ قانون اساسی، بدون روح حقوقی و ملت، بدون سوزگی تاریخی! این شرایط نه با سیاست‌های ناسیونالیستی تغییر کرد، نه با ادعاهای مذهبی و آیدئولوژیک جمهوری اسلامی.

ازاین منظر بازگشت به مشروطه، اگر به‌معنای بازاندیشی نسبت ما با تجدد، دولت و مفاهیم بنیادین سیاست باشد، گامی ضروری است. در غیر این‌صورت، بدون بنیان نظری هر تلاش سیاسی در ایران معاصر، تکرار تراژدی‌هایی خواهد بود که همواره پیش از آنکه به نهاد بدل شوند، به شکست انجامیده‌اند. بنابراین ما هم‌اینک در استانه‌ای ایستاده‌ایم که هنوز فاقد «نظریه دولت» است؛ تا امروز، سیاست در ایران و شکل «دولت» در آن به‌صورت یک‌ناهنجاری تاریخی استمرار یافته و برای رهایی از این دور باطل، بازگشت به نقطه آغاز یعنی مشروطه و بازخوانی انتقادی آن ضروری است. این هرگز به‌معنای این‌همانی‌سازی میان امروز و دیروز نیست، بلکه یادآوری مطالباتی است که برای بیش از یک‌سده بی‌پاسخ‌مانده است. مطالباتی که این‌بار هم بدون تأمل نظری درباره جایگاه حقوقی نهادها پاسخ داده شوند، به همان نتیجه سابق ختم خواهند شد.

امت‌گرایی و ملت‌گرایی از مشروطیت تا ابدیت

حفظ اسلام و ایران به عنوان ام‌القری همچنان دغدغه ایرانیان است

و مشروعه‌خواهی گردش کنیم سهم خرد که عموماً خود را در قامت شریعت و اراده شارع مقدس نشان می‌دهد در برابر عقل و تجربه بشری بیشتر می‌شود. البته این موضوع مطلق نبوده و باید به نسبت‌های متفاوت برای هرکدام از گفتمان‌ها قائل به هر دوی این حوزه‌ها شد. خرد در این معنا جهانشمول و عقل و تجربه جزئی نگر است.

▼ امت‌گرایان و ملت‌گرایان ایران امروز

یکی از موضوعات اساسی در ایران پس‌انقلابی و دوران پس از سال ۱۲۵۷ نسبت‌یابی میان انترناسیونالیسم، ملت‌گرایی اسلامی و ملی‌گرایی ایرانی است. این امر به‌صورت پیوسته مطرح بوده و در صورت‌بندی‌های گوناگون خود را به نمایش گذارده است. جنگ ۱۲۶۱، روزه تحمیلی ۱۴۰۴ بار دیگر این بحث را در برابر دیدگان نخبگان و عموم افراد جامعه ایرانی قرار داده و حتی برخی سخن از «ملی‌گرایی شیعی» را به میان کشیده‌اند. در این باب با توجه به تجربه‌نگاری عصر مشروطیت چند نکته حائز اهمیت است:
۱- این اصل را باید پذیرفت که هویت انسان جامعه ایرانی ترکیبی و آمیخته‌از عناصر مختلف است. این عناصر عبارتند از: ایران‌بودگی (سنت ایران‌شنه‌ری و شهریار آرمانی ایرانی به‌علاوه تجربه زیسته و روان‌شناسی و جامعه‌شناسی ایران پیش از اسلام)، تشیع، سرریز خلافت و سلطنت اسلامی، تصوف و عرفان ایرانی و سرانجام امواج مدرنیته و پسامدرنیته. ۲- در باب نقش، ساختار و کارکرد دو عنصر دین و ملیت به‌ویژه در میان نخبگان درون ایران و دیاسپورای ایرانی و ایرانیان خارج از کشور اختلاف‌نظرهای جدی وجود دارد. ۳- پیوند هویت و روابط قدرت در گفتمان‌ها و آیدئولوژی‌های سیاسی ایران معاصر جدی است. ۴- بسیاری از منازعات موجود میان امت‌گرایان و ملت‌گرایان «کلامی» است. به سببانی کلام جدید باید پس از مرحله «اسکات خصم»، یک ایده و گفتمان جدید را مفصل بندی کرد. ۵- به تعبیر شنتال موف، ملت‌گرایان و امت‌گرایان باید قواعد بازی را از آنتاگونیسم به‌سمت آگونیسم پیش ببرند تا اساساً بتوان از قواعد بازی دموکراتیک سخن گفت. منطق و تجربه هم‌ارزی و تفاوت و مرزهای «ما» و «دیگری» این دو گفتمان به صورتی پیوسته در حل تغییر است. ۶- هر دو گفتمان امت‌گرایی و ملی‌گرایی، نظام اقتصاد سیاسی خاص خود را تولید و بازتولید می‌کنند. ۷- تجربه عصر مشروطیت نشان داد که روشنفکران و متجددین از عنصر «تحقیر» و سنت‌گرایان و اصل‌گرایان از ابزار «تکفیر» استفاده می‌کنند. این موضوع سرانجامی جز بر دار فتن شیخ نوری و جمع شدن کتاب «تنبيه‌الامة وتنزيه‌المله» و به‌فقر رفتن میراث مشروطیت نداشت.
۸- در منطق جمهوری اسلامی به‌ویژه در عصر پس از جنگ تحمیلی ۸ ساله، عمل‌گرایی و مصلحت‌گرایی بر هر اصل دیگری مقدم است و این خود زمینه مناسبی برای ایجاد یک مصالحه و اجماع ملی است.
۹- عیان‌شدن دشمنی اسرائیل و آمریکا با تجاوز مستقیم به ایران خود آگاهی و همبستگی ملی ایرانیان را به بالاترین حد متصور رسانده است؛ امری که در عصر مشروطیت مفقود بود. ۱۰- رندهای داخلی و عناصر درونزای ایران در پیوند و ارتباط با بازیگران و گفتمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی صورت‌بندی می‌شوند. ایرانیان در دنیای آن‌راشیک کنونی فقط می‌توانند روی خود حساب بکنند. بخش فراوانی از تراژ مشروطیت را مداخله بیگانگان بر باد داد. ۱۱- ایرانیان هزینه‌هنگفتی را برای تجربه مشروطیت پرداخته‌اند، بازخوانی و بازاندیشی تاریخ و نه تجربه‌دگرباره تاریخ، امری عقلانی است. صحنه همان صحنه است یا پیچیدگی‌های بیشتر؛ و حفظ اسلام و ایران به‌عنوان ام‌القری همچنان دغدغه ایرانیان است.

▼ خردگرایی در برابر عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی

کانونی‌بودن خرد یا عقل و تجربه بشری موضوعی بنیادین در منازعات عصر مشروطیت است و می‌توان طیف برداری با دامنه باز برای آن طراحی کرد. هر چه از سطح تجددگرایی به‌سوی مشروطه‌خواهی

روزنامه

www.hammihanonline.ir

مختار نوری

www.hammihanonline.ir

مشروطه و مشکله تجدد در ایران

علی هادوی، علی حسنی

پژوهشگران تاریخ

پژوهشگران تاریخ نوین ایران، مشروطه یا مشروطیت را برابر نهاده‌ای از واژه constitutionalism معرفی کرده‌اند که شیوه‌ای حکمرانی بر پایه نظام پارلمانی و با محوریت قانون اساسی است. واضح است که باتوجه به چنین تعبیری، توقع می‌رود که مسئله مشروطیت در ایران از همین زاویه مورد بررسی قرار گیرد و به این جریان تاریخی به‌مثابه نقطه عطفی در نظام تصمیم‌گیری و شیوه حکمرانی کشور نگریسته شود. بااین حال پرسشی اساسی در پیش‌روی ما خواهد بود که آیا مشروطه را صرفاً باید به مطالبه‌ای به‌منظور تحدید قدرت شاه، محدود کرد؟ یا می‌شود مسئله‌ای دیگر را برای آن متصور بود؟ به‌نظر می‌رسد که مسئله اصلی در مشروطیت فراتر از تغییر شیوه حکمرانی در ایران است. مسئله اصلی آن به تلاش ایرانی‌ها برای مدرن‌شدن و رسیدن به تجدد مرتبط است.

▼ تجدد، محوری‌ترین مسئله معاصر ایران

مسئله تجدد در ایران، اگر نگوییم مهم‌ترین، قطعاً یکی از مهم‌ترین مسائل دو سده اخیر ایران به‌شمار می‌آید. از ۱۲۱۹ که میرزا ابوطالب‌خان، در سفرنامه خود به لندن، عبارت «طرز جدید» -به‌عنوان نخستین ترکیب درباره تجدد در زبان فارسی- را برای توصیف تفاوت‌های زیستی و تکنولوژیک در جهان غرب با مشرق‌زمین استفاده کرد و نیز در همان سال‌ها عباس میرزا پرسش معروف خود درباره علل عقب‌ماندگی ایران از غرب را مطرح نمود، تا مبارزات مشروطه‌خواهان و تا همین امروز، تجدد، محوری‌ترین مسئله تاریخ معاصر ایران به‌حساب می‌آید که بسیاری از رخدادهای بزرگ در تاریخ ایران حول آن شکل گرفته‌اند.

ایرانی‌ها در سال‌های مشروطه، تحت‌تاثیر اتفاقات مختلف داخلی و خارجی، مصمم بر تغییر نظام مطلقه پادشاهی بودند. ایشان در داخل با ناکارآمدی گسترده نظام اداری ایران مواجه بودند و در خارج نیز انقلابات و تحولات بزرگی که در جهان خصوصاً کشورهای منطقه شکل گرفته بود، آنان را بر اصرار بیشتر برای پیروزی مشروطه‌خواهی سوق می‌داد. از انقلاب‌های انگلیس، ایتالیا و اتریش در نیمه‌دوم قرن نوزدهم در اروپا گرفته تا انقلاب ۱۸۷۶ در ترکیه و نیز جنبش‌های متعدد تجددخواهی در مصر و هند، همه‌وهمه بر ضرورت تغییر در ایران و میل به‌سوی تجدد می‌افزودند. عمده منورالفکران مانند آخوندزاده و طالبوف، عقیده داشتند که پیاده‌سازی کامل تفکر و ابزار غربی در ایران می‌تواند ما را نیز مدرن کرده و از بلای خسارت‌بار عقب‌ماندگی رهایی بخشد. تاکید ایشان بر مشروطیت نیز بر خاسته از همین نظرگاه بود و گمان می‌کردند اگر ما نیز طابق النعل بالنعل، همان مسیری که اروپاییان رفته‌اند را طی کنیم، به این مهم دست خواهیم یافت.

▼ جنبه سلبی مشروطیت

البته باید توجه داشته باشیم که مسئله تجدد در جنبش مشروطه، صرفاً جنبه ایجابی نداشت و نقش سلبی را نیز ایفا می‌کرد. مسئله تجدد در گروهی از مشروطه‌خواهان، خاصه در میان علمای مذهبی، کاملاً رانه‌ای منفی و سلبی به‌حساب می‌آمد. درواقع حمایت ایشان از مشروطه‌خواهی برای جلوگیری از تجدد -دست‌کم به‌معنای فرنگی شدن- بود. عبدالهادی حائری در رساله تشیع و مشروطیت خود اشاره می‌کند که برخی رهبران مذهبی مانند سیدمحمد طباطبایی با آن‌که اطمینان داشت یک نظام مشروطه، علماً را از حقوق و مزایا و اختیارات سنتی آنان مانند تصدی بر امور داوری و قضاوت، محروم خواهد کرد، اما حاضر شد برای وارد کردن شکست در نظام استبدادی که کشور اسلامی ایران را به غرب می‌فروشد، به گروه مشروطه‌خواهان بپیوندند و از ایشان حمایت تام و تمام کند. یا چنانچه به نقش جمال‌الدین اسدآبادی بنگریم -که تلاش می‌کرد میان منورالفکران مشروطه‌خواه و علمای مذهبی پلی برقرار کند- شاهد هستیم که او نیز از رانه سلبی تجدد برای بوجود آوردن علما بهره می‌برد. او در کتاب مهم خود با عنوان «حقیقت مذهب نیجری»، تلاش می‌کند به علمای مذهبی و به‌طورکلی متدینان گوش‌زد کند که تجدد با تمام مزایایی که دارد اما مردم جهان را به‌سمت ناتواریسم و مادی‌گرایی سوق داده است و چنانچه علمای دینی در ایران و جهان اسلام در برابر این روند نایستند، هم سنت از بین می‌رود و هم مردمان به ماده‌گرایی روی می‌آورند. او تلاش می‌کند تا نشان دهد، می‌توان با دین و خصوصاً اسلام به‌سوی تعالی و پیشرفت گام برداشت بی‌آن‌که نیاز باشد به ناتواریسم تمسک جست. افغانی تاکید دارد که اسلام تمام شرایطی را که برای پیشرفت ملت‌ها و احراز سعادت در دنیا و آخرت وجود دارد، داراست. او در پایان کتابش این آیه از قرآن را آورده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» و بیان می‌کند که قوم مسلمان باید تحرکی برای پیشرفت خود انجام دهد و تجدد مدرن را با «محکمت‌ا عقلی و متقن» پیوند بزند. درنهایت می‌توانیم این گونه صورت‌بندی کنیم که آن‌چه از مشروطیت تا عصر حاضر همچنان در ایران و کشورهای منطقه باقی مانده است، همان مسئله تجدد است. ما همچنان موفق به حل نسبت خود با مدرنیته و تجدد نشده‌ایم و در این کشمکش پرتعارض و معرکه‌آرا، گیر افتاده‌ایم که یا باید کاملاً غربی‌شویم یا به‌طور کامل به‌مخاصمه با جهان مدرن و غربی باایستیم و حتی برای شکست دادن جهان غرب، تمام ابزار غربی را به کار بگیریم!